

آمریکا گرایه و آمریکاستیزی در نظم جدید جهان

یادداشت



روح الله علیزاده

دانشجوی دکتری علوم سیاسی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان

یادداشت



دکتر علی ابراهیمی

استاد مدعو گروه علوم سیاسی
دانشگاه مازندران

در قرن بیستم، به ویژه بعد از پایان جنگ جهانی دوم، ایالات متحده آمریکا به دلایلی نظیر توان نظامی بالا، توسعه اقتصادی و فرهنگ لیبرال، به الگویی برای برخی از کشورهای جهان در قالب آمریکا گرایی، قرار گرفته است. با وجود این، در قرن بیست و یکم و با بالا رفتن سطح آگاهی کشورها و ادراک منطق دوگانه آمریکا از موضوعاتی نظیر حقوق بشر، تروریسم، استفاده ابزاری از ساختارها و قوانین بین المللی، به عرصه ای برای آمریکاستیزی کشورهای جهان تعیین پیدا کرد، به گونه ای که یکی از مهم ترین موضوعاتی که امروزه وجود دارد، سطح بالای آمریکاستیزی در جهان است. از این منظر، یادداشت حاضر تلاش می کند تا نشان دهد که در نظم جدید جهانی، آمریکا گرایی و آمریکاستیزی چه جایگاهی در میان کشورهای جهان و افکار عمومی شان دارد. تبعات و پیامدهای آن را برای آینده آمریکا، موشکافی کنیم.

است، اما مضامین اصلی به طور قابل توجهی، ثابت مانده اند و مدت ها پیش از نفوذ هالیوود یا آمریکا - که یک قدرت بزرگ در سطح بین المللی هستند - باقی مانده اند. دو مورد از مهم ترین آن ها، دیدگاه ایالات متحده به عنوان یک جامعه بد است که تهدیدی برای تبدیل شدن به الگوی کل جهان بوده و دیدگاه آمریکا به عنوان یک جامعه به دنبال تسخیر جهانی است. به گونه ای که مجموعه ای از نظرسنجی های انجام شده در مهر و موم های گذشته،

عموماً استدلال می شود که به دلیل تسلط توان نظامی و قدرت اقتصادی آمریکا، قرن بیستم و به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم، «قرن آمریکایی» بوده است و کشورها سعی داشتند تا در قالب آمریکا گرایی حرکت نمایند. با این حال، پس از چند دهه رهبری جهانی، ایالات متحده به دور از تحسین جهانی در سراسر جهان، قرار گرفته است. در این راستا، ضد آمریکایی بودن پدیده ای است که قدمت دیرینه ای دارد. اگرچه دوره ها و تأکیدات مختلفی را پشت سر گذاشته

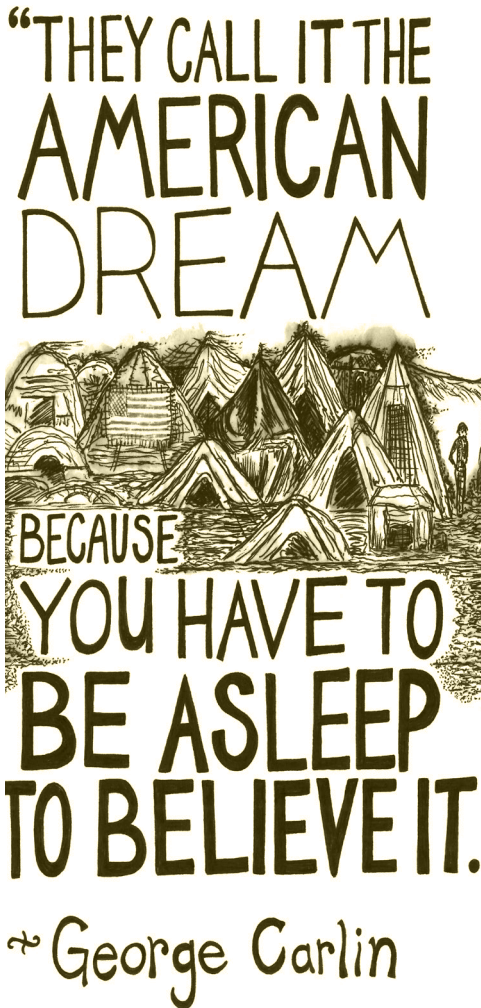
نشان می دهند که بیشتر مردم کشورهای جهان، اعتقاد دارند که ایالات متحده عمدتاً تأثیر منفی در جهان دارد. موضوعی که افزایش غیرقابل انکار در ابراز احساسات آمریکاستیزی را در مناطقی مانند آفریقا، اروپای شرقی، شرق و جنوب آسیا، خاورمیانه و آمریکای لاتین مشاهده می کنیم. ضمن آنکه روزنامه نگاران، محققان و سیاستمداران به طور یکسان این تصور را تقویت می کنند که آمریکاستیزی در بسیاری از کشورهای خارجی یکی از احساسات ریشه دار است. در واقع، مداخله آمریکا در امور خارجی سایر کشورها، باعث شده است تا بسیاری از نتایج را حاصل سیاست دولت ایالات متحده از زمان جنگ جهانی دوم در شرق آسیا، خاورمیانه و آمریکای لاتین یافت. مطمئناً، همان طور که تونی جاد مشاهده کرد، در سراسر جهان «احساس ضد آمریکایی در وهله اول، ناشی از تحقیر است، احساس بی ارزشی و ناامیدی که صدها میلیون نفر در جهان اسلام، در جای دیگر به اشتراک گذاشته اند»؛ اما این به خودی خود منبعی برای احساس ضد آمریکایی کافی نیست. در واقع، این احساسات گسترده با غرور جریحه دار شده از سوی آمریکا، به ویژه غرور آمریکایی مرتبط است. علاوه بر این، موضوع دیگری به مثابه یک تناقض دیده می شود که مشخصه ایالات متحده است، جایی که دموکراسی در جامعه سفیدپوستان، هم زمان با بردگی سیاه پوستان و تبعید سرخپوستان آمریکایی توسعه یافت. در دموکراسی آمریکایی، یک خط مرزی بین سفیدپوستان و رنگین پوستان، باعث توسعه روابط مبتنی بر برابری در جامعه سفیدپوست می شود. علاوه بر این، تاریخ ایالات متحده با گرایش بنیادگرایانه برای تبدیل سنت یهودی-مسیحی به نوعی دین ملی که

استثنایی بودن مردم آمریکا و مأموریت مقدسی را که به آن ها واگذار شده است (سرنوشت آشکار)، تخصیص می دهد. اروپا و دیگر کشورهای جهان قادر به درک کامل آمیختگی شور مذهبی و اخلاقی آمریکا از یک سو و پیگیری آشکار سلطه سیاسی، اقتصادی و نظامی بر جهان از سوی دیگر نیست، اما این ترکیب انفجاری، نوعی بنیادگرایی عجیب و غریب را تداعی می کند که بزرگ ترین تهدید برای صلح جهانی امروز است؛ موضوعی که آمریکاستیزی را در نظم جدید جهانی تعیین می بخشد.

افکار عمومی جهانی بر این باور هستند که ایالات متحده برای حل مشکلات جهان، بسیار کم کاری کرده و از سیاست هایی حمایت می کند که شکاف جهانی میان فقیر و غنی را افزایش می دهد. به طور مشابه، مخالفت با حمایت قاطع آمریکا از اسرائیل، مدت ها قبل از دولت بوش بوده است. برای مسلمانان، این امر به یک اصل اعتقادی تبدیل شده است که ایالات متحده به طور غیر منصفانه در کنار اسرائیل در درگیری خود با فلسطینی ها قرار می گیرد. ویلیام راسل ملتن، استدلال می کند که انتقاد، عمدتاً از این تصور سرچشمه می گیرد که ایالات متحده می خواهد به عنوان یک «پلیس جهان» عمل کند. از این منظر، می توان استدلال کرد، آمریکاستیزی گسترده تر و عمیق تر از همیشه است. بر اساس یک نظرسنجی از ۳۸۰۰۰ نفر در ۴۴ کشور، نتایج نشان داد که وجهه جهانی ایالات متحده، کاهش یافته است. در این زمینه، اکثر آمریکایی ها بر این عقیده بوده اند که امروزه ایالات متحده در مقایسه با گذشته، کمتر مورد احترام کشورهای دیگر قرار دارد و طبق گزارش جدید، حدود دوسوم بزرگ سالان آمریکایی (۶۸ درصد) بر این عقیده

IX, Number 3.

Silver, Laura and Connaughton, Aidan (2022), Most Americans continue to think the U.S. is less respected today than in the past pew research Center.



گواهی داده‌اند. در این راستا، از هر ده جمهوری خواه هشت نفر از جمهوری خواهان و مستقل‌های متمایل به جمهوری خواه (۳۳ درصد)، در حال حاضر معتقدند که ایالات متحده نسبت به گذشته، کمتر مورد احترام است. در حال حاضر، شش نفر از هر ده دموکرات و مستقل‌های متمایل به دموکرات‌ها، می‌گویند که ایالات متحده نسبت به گذشته، کمتر مورد احترام است. این موضوعات نشان می‌دهند که دولت‌ها و افکار عمومی جهانی در حال یک تغییر نگرش بنیادین نسبت به آمریکا هستند و امروزه در مرحله تثبیت آن، گام برمی‌دارند که آن‌هم نگاه آمریکاستیزی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی آن است.

منابع

- Fabbrini, Sergio (2010), Anti-Americanism and US foreign policy: Which correlation? International Politics. Keohane, Robert
- O. (2007), ANTI-AMERICANISMS IN WORLD POLITICS Polis/R.C.S.P./C.P.S.R. Vol. 14, Numéros 1&2.
- Losurdo, Domenico and et al (2004), Preemptive War, Americanism, and Anti Americanism, Metaphilosophy, Vol. 35, No. 3.
- Melton, William Russell (2005), The New American Expat: thriving and surviving overseas in the post-9/11 world, Intercultural Press, p. XIX.
- O'Connor, Brendon (2019), Anti-Americanism and American Exceptionalism, Pub. Location London.
- Report (2003), Anti-Americanism: Causes and Characteristics, available: <https://www.pewresearch.org/global/2003/12/10/anti-americanism-causes-and-characteristics/>
- Rubin, Barry (2004), Understanding Anti-Americanism, American Diplomacy, Volume